

شیرینی‌های رنگ‌باخته ازدواج

مدت‌هاست وقتی می‌شنویم پسری یا دختری ازدواج کرده است، به شوخی می‌گویند بیچاره و این در حالی است که روزگاری نه چندان دور شیرین‌ترین خبری که هر کسی می‌شنید، ازدواج آشنایان بود.



سلامت نیوز : مدت‌هاست وقتی می‌شنویم پسری یا دختری ازدواج کرده است، به شوخی می‌گویند بیچاره و این در حالی است که روزگاری نه چندان دور شیرین‌ترین خبری که هر کسی می‌شنید، ازدواج آشنایان بود.

درست است که این چنین گفتار تلخی تنها در قالب شوخی است، اما جا افتادن آن در فرهنگ جامعه بی‌دلیل نیست. شوک‌آور است بشنوید عروس و دامادهای زیادی هنوز مهر ازدواج در شناسنامه‌شان خشک نشده، باید مهر طلاق را نیز کنار آن بنشانند و این یک واقعیت دردناک بوده و زنگ خطر را به صدا درمی‌آورد. در بسیاری از موارد دیده شده دختران و پسران با وجود عشق و علاقه بسیار به دوام زندگی مشترکشان امید ندارند و سعی می‌کنند با قرار دادن شروط محکم و گاهی بسیار دشوار کانون زندگی را پابرجا نگه‌دارند. اما آیا شروط سخت و محکم، مهریه‌های نجومی یا شرایط اقتصادی عالی می‌تواند خوشبختی و شادی را به ارمغان بیاورد؟

به گزارش سلامت نیوز به نقل از ایران ؛ ضامن خوشبختی و آرامش زوج‌های قدیمی چه بوده یا به عبارت دیگر چه عاملی باعث شده در گذشته پدر و مادران و حتی پدر و مادر بزرگ‌های ما خوشبخت باشند و از ازدواجشان راضی باشند، اما زوج‌های جوان عصر حاضر به دنبال خوشبختی و پایداری زندگی باشند؟ دکتر مجید صفاری‌نیا، رئیس انجمن روانشناسان اجتماعی چنین می‌گوید: #171نتایج مطالعات و بررسی‌های انجام شده حاکی از این است که احساس آرامش مهمترین عامل ایجاد خوشبختی است. اگر ثمره ازدواج احساس آرامش باشد، زن و مرد ازدواجی شیرین و توأم با خوشبختی خواهند داشت. برای تحقق احساس آرامش علاوه بر رشد مذهبی و فرهنگی، شرایط اجتماعی و اقتصادی نیاز به عامل مهمی به نام بلوغ عاطفی بشدت احساس می‌شود.

دختر و پسر هرچقدر بیشتر به بلوغ عاطفی رسیده باشند، بیشتر می‌توانند احساس آرامش و به دنبال آن خوشبختی در زندگی مشترک را تجربه کنند. روانشناسان و متخصصان در بحث ازدواج به دو اصل مهم تضاد و شباهت قائل هستند. اصل تضاد که بیشتر در قصه‌ها، داستان‌ها و فیلم‌ها به چشم می‌خورد، می‌گوید هرچه انسان‌ها متضادتر باشند، خوشبخت‌تر هستند. برای مثال فرد ثروتمندی که با یک نفر از قشر فقیر جامعه ازدواج می‌کند وی را خوشبخت می‌کند. اما شباهت که مهمترین اصل است، بر مبنای شباهت‌های شخصیتی زن و مرد شکل گرفته است. دو جوان در آستانه ازدواج ممکن است شباهت را در رنگ مورد علاقه، غذای دلخواه یا حتی تفریحات مشترک بدانند، اما واقعیت این است که دختر و پسر باید در رگه‌های شخصیتی با هم شباهت داشته باشند. به عنوان مثال یک دختر درونگرا در کنار پسری برونگرا به سختی به آرامش می‌رسد و برعکس.

به‌طور کلی برای داشتن ازدواجی شیرین و توأم با خوشبختی علاوه بر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، شباهت نزدیک دختر و پسر و رسیدن آنها به بلوغ عاطفی مهمترین اصل است.» بنابر این گفته‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت یک ازدواج شاد و توأم با رضایت‌مندی و خوشبختی تنها با ابراز علاقه و دوست داشتن طرفین محقق نمی‌شود. توجه دقیق زوجین به احساسات یکدیگر و درک رگه‌های شخصیتی آنها را در رسیدن به زندگی ایده‌آل کمک خواهد کرد. اما نکته جالب این است که در گذشته کمتر کسی به این مسائل توجه می‌کرد و دوام و شیرینی زندگی‌ها بسیار بیشتر از عصر حاضر بود. راز شاد زیستن و زندگی محبت‌آمیز قدیمی‌هایی که بیشتر اوقات همدیگر را برای نخستین بار سر سفره عقد می‌دیدند چه بوده است؟

قدیمی‌ترها راز شیرینی ازدواجشان را حفظ صمیمیت و روابط احترام‌آمیز بیان می‌کنند. محبت و علاقه‌ای که پس از ازدواج در بین زوجین قدیمی به‌وجود آمده گاهی از عشق‌های آتشین امروزی بسیار بادوام‌تر بوده است. دکتر حسین آقاجانی محقق مسائل اجتماعی در خصوص ازدواج می‌گوید: ازدواج منشأ و اساس خانواده است. مردم‌شناسان در سطح جهان مطالعات وسیعی درباره ازدواج انجام داده‌اند. در گذشته‌های دور بیشتر ازدواج‌ها از نوع درون‌گروهی (فامیلی) بوده و به مرور زمان ازدواج‌های برون‌گروهی شکل گرفت. هدف از چنین بحثی این است که ازدواج در جوامع مختلف از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. در جوامع گذشته شکل خانواده گسترده‌تر از حال بوده و زیبایی‌اش به این بود که همه اقوام و والدین در ازدواج دختر و پسر نقش داشتند. اقوام سعی

می‌کردند عروس آینده یا آقادات را کاملاً بشناسند و انتخابی درست برای نور چشمی خود انجام دهند. برای تهیه جهیزه عروس هر چند مختصر و مفید همه فامیل کمک می‌کردند و برای مخارج جشن ازدواج هر چند كوچك و خانه زوج آینده همه خویشاوندان آستین بالا می‌زدند. هر چه این آداب و سنن قدیمی اما ارزشمند در شیوه همسرگزینی کمرنگ شده کارکردهای ازدواج هم نامناسب شده است و ما امروز شاهد عدد و ارقامی در زمینه طلاق هستیم که واقعاً تأسف‌آور است.

شغل، درآمد، تحصیلات و سبک زندگی همه از عوامل ایجاد زندگی شیرین است اما هیچ‌کدام نمی‌تواند جایگزین عوامل مهمی چون عشق به همسر و عشق به فرزند باشد. اگر این عشق معنوی مبنای ازدواج قرار گیرد ما می‌توانیم ازدواج شاد را تجربه کنیم. عشق و احترام به همسر می‌تواند زمینه‌ساز فداکاری بین زن و شوهر باشد. فداکاری همیشه شامل مسائل بزرگ و خاص نمی‌شود. گاهی فداکاری‌ها در مسائل خیلی كوچك، بسیار ارزشمند و باعث پایدارتر شدن دوام خانواده می‌شود.

موضوعی که در جوامع کنونی به چشم می‌خورد این است که دختر و پسر با عشق و علاقه فراوان و با ادعای شباهت نزدیک به یکدیگر ازدواج می‌کنند اما بعد از ازدواج وقتی صحبت بچه به میان می‌آید می‌گویند مثلاً تا 3 سال بچه‌دار نمی‌شویم تا همدیگر را بهتر بشناسیم. آنها با وجود این همه ادعای شناخت و شباهت تازه می‌خواهند همدیگر را بشناسند. موضوع دیگر این است که امروزه برخلاف گذشته خانواده‌ها تا قبل از ازدواج نقش کمرنگی دارند و ما با این جمله روبه‌رو می‌شویم که علف باید به دهان بزی شیرین بیاید اما همین خانواده‌ها پس از ازدواج تازه وارد عمل می‌شوند و سعی می‌کنند نقش پررنگی را ایفا کنند که منشأ اختلافات بسیاری خواهد شد.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت برای داشتن ازدواج شیرین باید همسرگزینی با مطالعه درست صورت گیرد. به عبارتی شیوه‌های انتخاب در جامعه باید تغییر کند.

عشق مفهومی برای پایداری ازدواج است. عشق است که تفاهم و از خودگذشتگی را افزایش می‌دهد اما عشق در کنار احترام متقابل و شناخت درست می‌تواند منجر به ازدواج شیرین شود در غیر این صورت دختر و پسر از نقش خود به‌عنوان همسر فاصله می‌گیرند و این فاصله گرفتن تنش زیاد و ازدواج تلخ را در پی خواهد داشت. با نگاهی به پیرامون اجتماعی‌مان براحتی می‌توانیم درک کنیم که تجربه‌های تلخ زنان و مردان در ازدواج‌هایشان که به طلاق می‌انجامد باعث شده که جوانان چه دختر و چه پسر تمایلی به ازدواج و آغاز زندگی مشترک نداشته باشند و سن ازدواج در جامعه رو به افزایش برود.